



هنر در خدمت «مکتب سلیمانی»

نگاهی به فعالیت‌های هنرمندان درباره شهید سلیمانی حکایت از کارهای قابل تاملی دارد اما این روند نیازمند تغییرات جدی است

جواد نوائیان رودسری

هنر نقش مهمی در تبلور احساسات انسانی دارد؛ تأثیری ژرف بر ذهن انسان می‌گذارد و قادر است هزاران جمله پر حکمت و آموزه پر جاذبه را در قالب یک خط، یک صدا یا یک تصویر، بر قلب مخاطبان حک کند. از این رو، ورود هنر به عرصه تقویت بایسته‌های دینی، فرهنگی و اجتماعی، مقوم جریانی است که می‌تواند یک ملت را در برابر هجوم‌های مکرر و متنوع، حفظ و آن را مقابل آفات دامن گیر، واکنش‌ناپذیر کند. با گذشت یک سال از شهادت مظلومانه سردار رشید اسلام، شهید حاج قاسم سلیمانی، شخصیت و مرام او، اینک به جریانی پویا مبدل شده که قادر است مشی و روش آن شهید بزرگوار را در قالب بسته‌ای معرفتی و در راستای تقویت مکتبی که انقلاب اسلامی ایران بر اساس و پایه آن شکل گرفته است، عرضه کند. در گسترش این جریان پویا، بی‌تردید هنر نقشی منحصر به فرد دارد و باید قدرت آن را برای انتقال مفاهیم، جدی گرفت؛ رویکردی که البته، از نخستین روزهای پس از شهادت آن بزرگوار آغاز شد و همچنان ادامه دارد:

شاعران پیشگام و داستان نویسان کم‌کار

شعر: بسیاری از هنرمندان کشورمان، مانند دیگر اقشار جامعه در مقابل خبر درناک شهادت یکی از قهرمانان بنام سرزمین خود، واکنش‌های در خوری نشان دادند. فعالیت در حوزه شعر، با پیشگامی شاعران مطرح و متعهد آغاز شد؛ بزرگانی نظیر علی معلم دامغانی، علیرضا قزوه، احمد میر احسان، علی محمد مودب، مهدی جهاندار، محمدرضا طهماسبی و... در آبان امسال، منظومه بلند افشین علا در باره شهید سلیمانی، توجه اهالی شعر و ادب را به خود جلب کرد و در هب انقلاب به تمجید از این سروده پرداختند. طی یک سال گذشته، اشعار فراوان و در خوری در باره این مصیبت جانکاه به نظم درآمد و برخی از آن‌ها، در قالب کتاب «قنوس قدس»، تیرماه امسال در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفت. پیش از آن، خبر انتشار مجموعه شعر «سلیمان عشق»،



اثری از حسن روح الامین

آیا این اقدامات کافی است؟

در تهیه و تدوین آثار هنری، باید یک نکته بسیار مهم را در نظر گرفت؛ تولید اثر خوب، زمان‌بر و البته پرهزینه است و افزون بر آن، به تشویق و تقویت نیاز دارد. هم‌اکنون، مجموع آثار منتشر شده در عرصه‌های مختلف ادبی و هنری، در باره شهید سلیمانی و شخصیت و راه او، در حدی است که می‌توان آن‌ها را برای یک سال نخست پس از آن شهید بزرگوار، در حد مطلوب دانست؛ اما ادامه روند با این شکل، تقریباً غیر قابل تصور است؛ اگر قرار باشد پرچم هنرمندان را در این عرصه، همچنان بالا نگه داریم، باید از سطح فعالیت‌های جزیره‌ای عبور کنیم و با طرحی قوی و ماندگار، به هنری که در این راه گام بر می‌دارد، هویت خاص ببخشیم. چندی قبل، علی رهبری، موسیقی دان برجسته و رهبر ارکستر سمفونیک، در گفت‌وگویی با خبرگزاری مهر، به این مسئله مهم اشاره کرده و گفته بود: «من معتقدم اولین کار در این زمینه، انتشار فراخوان عمومی و نه خصوصی، برای ساخت اثر درباره قهرمان ملی است. چقدر خوب می‌شد که بنیاد فرهنگی هنری رودکی در آستانه سالروز شهادت سردار سلیمانی، به عنوان یک قهرمان ملی، می‌آمد و با انتشار فراخوانی از آهنگ‌سازان می‌خواست تا درباره این اسطوره ملی اثر بنویسند و بعد از داوری که صورت می‌گیرد، کارهای نمونه این فراخوان را با ارکسترهای تحت پوشش خود اجرا می‌کرد. اگر این شرایط وجود داشت، قطعاً شاهد معجزاتی بودیم که حداقل از این شرایط فعلی بهتر بود.»

موضوعی که مورد توجه علی رهبری، به عنوان یک هنرمند شناخته شده و استاد موسیقی قرار گرفته، یک دغدغه جدی است. البته این به معنی دولتی کردن این حرکت نیست اما این که ما بتوانیم با ایجاد جشنواره‌ها یا پادمان‌های سالانه، استادان و فعالان عرصه‌های گوناگون هنری را، برای حضور و نقش‌آفرینی در این زمینه، برانگیخته کنیم، اقدامی بسیار مهم و اصولی برای پیشرفت و حرکت رو به رشد هنر تأثیرگذار در راستای تقویت جریان فکری شهید سلیمانی است. جامعه هنری، نه فقط در ایران، بلکه در سراسر جهان، بر اساس چنین جشنواره‌ها و گردهمایی‌هایی فعال می‌شود و می‌تواند سبب ساز یک رونق روزافزون باشد. دیده شدن آثار هنری در این گونه مراسم، اولاً، روحیه هنرمندان را در این مسیر تقویت می‌کند و ثانیاً، تجربه‌های گوناگون را در کنار یکدیگر، برای تولید آثار فاخر، قرار می‌دهد و رهاورد آن، بسیار بیشتر از خروجی اقداماتی است که از سرعلاقه و به صورت جزیره‌ای شکل می‌گیرد و بدون مدیریت فرهنگی، در فضای هنری کشور گم می‌شود.

با گردآوری قاسم صرافان که افزون بر شعرهای فارسی، اشعار عربی سروده شده درباره شهادت شهید سلیمانی را در خود جای داده بود، در شبکه‌های خبری انتشار یافت؛ اثری که مدتی بعد، در تابستان، به زیور طبع آراسته شد. این کتاب ۶۰ سروده را در بر می‌گرفت که از بین بیش از ۹۰۰ شعر ارسالی برای تدوین کننده، برگزیده شده بود. انتشار این آثار همچنان ادامه دارد و طی روزهای اخیر، کتاب «عقیق سلیمانی» که در برگزیده آثار تصویرگری و شعر، به صورت توانمان است، روانه بازار نشر شده است.

موسیقی: در عرصه موسیقی نیز، فعالیت‌ها نسبتاً قابل قبول بوده است؛ به جز قطعات معروفی مانند «قاسم هنوز زنده است» که با شعر میلاد عرفان‌پور، آهنگ‌سازی محمدرضا چراغعلی و صدای غلامرضا صنعتی، در همان ماه نخست پس از شهادت حاج قاسم انتشار یافت، اواخر آذر امسال بود که خبر انتشار آلبومی با ۹ قطعه، تحت عنوان «قهرمان من» منتشر شد؛ آلبومی که آن‌را به سردار شهید قاسم سلیمانی تقدیم کرده بودند و نشان داد که موسیقی دان‌های متعهد، از کنار این مسئله ساده نگذشته‌اند.

هنرهای تجسمی: در عرصه هنرهای تجسمی نیز، شاهد تولیدات در خور و ارزنده‌ای بودیم؛ هر چند که در کمیت در حد و اندازه موسیقی و شعر، نبودند. افزون بر نگارگری‌های انتشار یافته در کتاب «عقیق سلیمانی»، رونمایی از تابلوی نقاشی حسن روح الامینی از سردار شهید، در همان ماه‌های نخست پس از شهادت او و طی یک شب شعر بزرگ که در دوران پیش از شیوع کرونا برگزار شد، نمونه‌ای ارزنده از فعالیت در این عرصه بود.

داستان نویسی: حضور نویسندگان در این قافله، چندان پررنگ نبوده است و ضرورت حرکت جدی‌تر در این عرصه احساس می‌شود. البته شاید این مسئله به زمان‌بری تولید چنین آثاری مربوط باشد. صرف نظر از کتاب‌هایی که پیش از شهادت شهید سلیمانی و بر اساس خاطرات او به رشته تحریر درآمده و در اختیار علاقه‌مندان قرار گرفته بود، نمونه‌های قابل ارائه چندان متعدد نبودند؛ از معدود داستان‌های نوشته شده، می‌توان به داستان «عمو قاسم» اشاره کرد که اوایل دی ماه، با قلم محمدعلی جابری و برای رده سنی کودکان و نوجوانان منتشر شد.